

## روایت قصه آب در مستند «از قاهان تا مسیله»

رضا خوشدل تهیه‌کننده و کارگردان سری دوم «قصه‌های آب» در گفت‌وگو با فارس درباره قسمت سوم این مجموعه مستند که فردا پنجشنبه ۳ مرداد ساعت ۲۲ پخش می‌شود، گفت: قصه جدید این مجموعه «از قاهان تا مسیله» نام دارد و قصه مسیر آب از قاهان در خلجستان قم تا مسیله در نزدیکی دریاچه

نمک قم و مردمی که در این مسیر زندگی می‌کنند را روایت می‌کند.

رضا خوشدل گفت: این مجموعه علاوه بر بررسی مشکلات برخی روستاها و شهرها، راهکارهای آنان برای مصرف بهینه از آب باقیمانده را به تصویر می‌کشد.

سری دوم «قصه‌های آب» پنجشنبه‌ها ساعت ۲۲ از شبکه مستند پخش

می‌شود و بازپخش آن روز بعد ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه خواهد بود.

رضا خوشدل تهیه‌کننده و کارگردان «قصه‌های آب» است و از دیگر عوامل آن می‌توان به تصویربرداران: محمد منتظری، مرتضی کیانی، صدابردار: پژمان

فاضلی، تدوین: حیدر شیرزاده و آهنگساز: محمد نصرتی اشاره کرد.

## یک گزارش جنایی از مظنونان سرقت ۳ میلیون دلار

در سریال «بوی باران»

# راز غیب‌شدن یک چمدان دلار!

ادامه از صفحه ۵

یک چمدان پر از دلار که از قرار یک نفر آن را برداشته و همین باعث شده مهندس حسابی عصبانی شود و به دنبال کسی بگردد که این چمدان را بلند کرده است. متهم ردیف اول هم شهاب است که همیشه چمدان‌های دلار را به او می‌داد و بعد از مدتی هم آن را پس می‌گرفت. در این مدت هم اجاره چمدان را پرداخت می‌کرد که در کارخانه بازیافت زباله‌ها لا به لای زباله‌ها پنهان می‌شد. در این چمدان سه میلیون دلار بود که با نرخ ارز امروز ۳۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان می‌شود که پول کمی هم نیست، پس طبیعی است هر فردی برای چنین پولی دست و پا بزند، چون می‌توان با این پول یک زندگی راحت را تا پایان عمر داشت. بنابراین هر فردی می‌تواند وسوسه شود که چمدان‌های دلار را از آن خودش کند. ما در این پرونده به مظنونین پرداخته ایم؛ مظنونینی که هر کدام می‌توانند دلائل خود را برای برداشتن این پول‌های کثیف داشته باشند.

## مهندس عجیب و غریب

به او می‌گویند مهندس (احسان امانی) و همه از او حساب می‌برند. برای خودش برو بیایی دارد. وقتی او را می‌بینیم به یاد پدرخوانده فیلم‌های مافیایی می‌افتیم که داخل خودرو می‌نشینند و دستورات‌شان را توجه‌ها اجرا می‌کنند. حتی حاضر هستند هر فردی را به هر شکلی شکنجه بدهند تا از دهانش حرف بکشند بیرون. مهندس سریال بوی باران هم دست کمی از این پدرخوانده‌ها ندارد و همه او را به رئیسی قبول دارند. البته این مهندس مشکوک هم می‌زند و کارهایش عجیب و غریب است. با این‌که بیست و اندی قسمت از سریال گذشته، اما هنوز هم شغل مهندس مشخص نیست و این‌که در چه کاری مشغول است که با دلار سر و کار دارد! معلوم نیست چه خلاقی دارد که پولشویی می‌کند؟ به هر حال مهندس، چمدان دلارهایش را به شهاب داده و حالا شاکا است از این‌که دلارها کجاست؟ و چرا خبری از چمدان دلارهایش نیست، اما می‌تواند خودش هم جزو مظنونین باشد، شاید در ظاهر این طور نشان می‌دهد که از دلارهای خبر است، اما خودش دلارها را برداشته است!

## دختر مافیا!

نامش مرجان است و دختر رئیس (شهرزاد کمال زاده)، او هم دست کمی از پدرش ندارد، غد است و مقتدر و البته بسیار عجیب و غریب! گرچه در ظاهر نشان می‌دهد قلب رئوفی دارد و حواسش به شهاب است تا بیشتر از این پدرش او را به خاطر گم شدن چمدان دلار گوشمالی ندهد، حتی در صحنه‌ای او را با صورت کبود دیدیم که پدرش به خاطر دفاعش از شهاب این بلا را سرش آورده، اما از سوی دیگر در یکی از صحنه‌ها مرجان را می‌بینیم که به پدرش می‌گوید باید شهاب گوشمالی شود. جالب است در پاسخ به پدرش که فکر می‌کرد مرجان از شهاب خوشش می‌آید، می‌گوید: به هر حال شهاب عبرت است و متهم ردیف اول! بنابراین حتی اگر چمدان را هم برنداشته باشد، باز هم باید گوشمالی داده شود تا درس عبرت بقیه شود! البته او دستی هم در قتل دارد و وقتی متوجه می‌شود پزشکی که به دروغ، مرگ فرشته را تایید کرده ترسیده، سریع به نوحه‌هایش می‌گوید او را سر به نیست کنند. بنابراین او هم می‌تواند چمدان را برداشته باشد.

## یک آدم سمج

کافی است متوجه شود کسی پول و پله‌ای دارد، آن وقت است که مثل کنه به او می‌چسبد و حاضر نیست او را رها کند. به هر حال در زندگی‌اش سختی‌های زیادی کشیده، اما نتوانسته با مشکلاتش کنار بیاید، به همین دلیل به زمین و آسمان بد گمان است و به دنبال راه فرار که از این بدبختی و فلاکت خودش را نجات بدهد. معلوم نیست که قبل از مرگ فرشته چه سر و سری با او داشته است. البته او کسی نیست جز داود (وحید نفر). داود شوهر خواهر فرشته است، اما رفتارهای مشکوک او در قصه ناخودآگاه شک را به دل بیننده می‌اندازد که شاید او از چمدان دلارها با خبر و دستش با فرشته در یک کاسه است و دیگران را بازی می‌دهند تا بعد از این‌که آنها از آسیاب افتاد چمدان را رو کنند. ضمن این‌که داود در این مدت مرتب از سیمین و خانم جان هم پول‌های زیادی گرفته به خاطر این‌که فامیل فرشته است و آنها هم برای این‌که او را دست به سر کنند حاضر می‌شوند پول بدهند.

## یک نوحه موذی

آرمان (سعید رضایی) همه جا کنار شهاب بوده و به قول معروف نوحه تمام عیار شهاب است که هر زمان که او بخواهد در آنجا حاضر می‌شود. البته او در ظاهر نوحه است و کارهای شهاب را انجام می‌دهد، اما این ظاهر امر است، چون یک خانه لوکس در منطقه بالای شهر دارد و معلوم نیست این خانه را از کجا آورده است، چون از کودکی زندگی‌اش سر و سامان درستی نداشته است، اما چطور و از کجا صاحب این خانه شده است، مشکوک می‌زند! از سوی دیگر او شخصیتی موذی دارد و مرتب شهاب را با خانواده‌اش در می‌اندازد. همچنین او شخصیت منفی کارخانه است و مرتب با کارگران بد رفتاری می‌کند. او هم می‌تواند یکی از مظنونینی باشد که چمدان دلارها را برداشته باشد. خانه بزرگ و لوکس که معلوم نیست از کجا آمده، شک را به دل مخاطب می‌اندازد که این توانمندی را دارد که دلارها را بالا بکشد، اما در ظاهر نشان می‌دهد که نوحه وفاداری برای شهاب است و همین رفتارهای او برای مخاطب علامت سؤال را شکل می‌دهد.

## عروس مجهول!

فرشته (ساناز سعیدی)، همان عروس قصه سریال بوی باران است. گرچه در شب عروسی نشان داده شد که او در شب عروسی‌اش با همان لباس عروس در آتش سوخت، اما با پیشرفت قصه مخاطب با جسد او در یک باغ روبه‌رو می‌شود که نشان می‌دهد صحنه‌سازی بوده و در واقع فرشته نمرده بود، بلکه او را کشته‌اند. همین مرگ مشکوک و صحنه‌سازی‌های اولیه نشان می‌دهد که بعید هم نیست فرشته دستی بر آتش داشته باشد.

البته در شروع قصه او به شهاب گفته بود که چمدان دستش است و شب عروسی جای چمدان را لو می‌دهد، اما بعد از این‌که در گوش شهاب حرفی در این باره زد در آتش سوخت. مخاطب تا اینجا ی قصه فکر می‌کرد با مرگ فرشته چمدان هم پیدا می‌شود، اما او به شهاب رو دست زده بود و جای واقعی را نگفته بود. مرگ مشکوک و دوباره فرشته در آن باغ باز هم شاخک‌های مخاطب را تیز می‌کند که واقعا فرشته قبل از مرگش چمدان دلارها را برداشته یا نه؟!